صاحب بن عباد؛ دانشمندی سیاستمدار

مجرد، سیدمصطفی

از حکیمان و بزرگان منطقه(هفت مزرعه)قمشه و اصفهان،اسماعیل بن عباد وزیر دیلمیان است که در سنه‏ 326 هـ.ق ولادت یافت.

علامه دهخدا در لغت‏نامه ذیل صاحب بن عباد چنین‏ می‏نگارد،نام وی اسماعیل مکنی به ابی القاسم و ملقب‏ به صاحب و کافی الکفاة.ابن خلکان گوید:او نخستین‏ کسی است از وزرا که لقب صاحب گرفت بدان سبب که‏ مصاحب ابو الفضل ابن العمید بود و او را صاحب‏ ابن العمید می‏گفتند و چون به وزارت رسید این لقب بر او ماند.

صابی در کتاب«التاجی»گوید:صاحب را از آن‏ جهت بدین لقب خواندند که از کودکی همنشین‏ مؤید الدولة بن بویه بود و او را صاحب نامید و از کودکی‏ بدین لقب مشهور بود...

اما لقب کافی الکفاة را گویا مؤید الدوله به سبب لیاقتی‏ که در روزگار کتابت از وی مشاهده کرد،بدو داده است، ولی صاحب خود در شعری که بر مدح فخر الدوله سروده‏ است اشارتی دارد که لغت کافی الکفاة را از فخر الدوله یافته‏ است.(1)

او از خاندانی ایرانی است و مورخان او را طالقانی‏ دانسته‏اند،و نام پدران وی چنین است:

«اسماعیل بن عباد بن عباس بن عباد بن احمد بن‏ ادریس»

عباد-پدرش-کاتب رکن الدوله بوده است و «یاقوت»از ابو حیان می‏آورد که عباد ملقب به امین و مردی‏ دیندار و نیک و در صناعت کتابت مقدم بود وی کتابت‏ رکن الدوله می‏کرد.

«یاقوت»گوید:نسبت صاحب به طالقان است که‏ چند سرزمین از ایران بدین نام موسومند.

سمعانی گوید:طالقان بلده‏ای است میان مرو رود و بلخ-و ولایتی است میان قزوین و ابهر و زنجان-نخستین‏ طالقان خراسان و دیگری طالقان قزوین نام دارد.

علامه دهخدا اظهار نظر می‏کند که مولد و منشأ صاحب،طالقان خراسان نیست،او پس از آن قول ثعالبی‏ را می‏آورد که معاصر وی است و گفته او به صحت مقرون‏ \*ابن خلّکان گوید:«او نخستین‏ کسی است از وزرا که لقب صاحب‏ گرفت بدان سبب که مصاحب‏ ابو الفضل ابن العمید بود و او را صاحب ابن العمید می‏گفتند و چون به وزارت رسید این لقب‏ بر او ماند.

است(2):

«صاحب از طالقان است و آن دهی است از دهات‏ اصفهان،از این رو برخی آن را بر«طالخونچه»که قریه‏ای‏ است میان لنجان و سمیرم تطبیق کرده‏اند و این شایعه با اشعاری که صاحب در مدح اصفهان سروده و نمونه آن در «محاسن اصفهان»آمده،تقویت شده است.»

استاد دکتر باستانی پاریزی در بخشی از کتاب«حماسه‏ کویر»-روستا گهواره فرهنگ،می‏نویسد:

«ما می‏دانیم که مجد الدین بغدادی،منسوب به‏ بغدادک خوارزم بود نه بغداد بزرگ و صاحب بن عباد اهل‏ طالقونچه اصفهان بود نه طالقان ماوراء النهر...»(3)

و باز در همان جا،بخش«روستازادگان دانشمند» می‏نگارد.

«صاحب بن عباد طالخونچه‏ای اصفهانی وزیر دیلمیان که کارش به آنجا رسید که هفت هزار قریه داشت‏ و اسامی بسیاری از قریه‏های ملکی خود را نمی‏دانست و همیشه اصرار می‏کرد که همه ندیمان و کاتبان و حواشی‏ خدم او جامه خز بپوشند،تنها در یک زمستان هشتصد و بیست عمامه خز به سادات و علویان بخشید...(4)

ولادت صاحب در روز سروش هفدهم برج شهریور 317 شمسی و مطابق با شانزدهم ذی القعده سال‏ 326 قمری برابر با ماه سپتامبر سال 938 میلادی است.

ابو حیان پس از بیان درجات طالع و ذکر روز،ماه‏ و سال به حساب ابجد گوید وی به سال 326 از 17 شهریور چهارده شب از ذو القعده گذشته متولد شد،گفتم کجا تولد یافت؟گفت«عند الماء»نزد آب و مولدوی طالقان است.

به نظر نگارنده،محل تولد او ساحل زاینده رود، روستای اسماعیل طرخان یا اسماعیل طالقان که هنوز به‏ نام اوست و در نزدیکی طالخونچه قرار گرفته است و من‏ چند سال پیش خرابه‏های خانه مسکونی باستانی او را در این‏ روستا در ضلع شرقی زاینده رود دیده‏ام،شاید هنوز آثار مانده باشد.

صاحب بن عباد شیعه امامی است.و از اشاراتی که‏ در اخوانیات دارد،تشیع او آشکار است.

لوفتشوا قلبی راؤا اوسطه

سطرین قد خطا بلا کاتب

حب علی ابن ابیطالب

و حب مولای ابی طالب

و یا قصایدی که در مدح حضرت امام رضا(ع) سروده است و در مقدمه«عیون اخبار الرضا»نقل‏ شده است.

از قصیده اولی:

یا سایرا زایرا الی طوس

مشهد طهر و ارض تقدیس

ابلغ سلامی الرضا و حط علی

اکرم رمس اخیر مرموس

و مطلع دومی:

یا زایرا قد نهضا

مبدرا قد رکفبا

ابلغ سلامی راکبا

بطوس،مولای الرضا...(5)

و سجع مهر صاحب بن عباد نشان دیگری از ارادت او به خاندان عصمت و طهارت است.

شفیع اسماعیل فی الآخره‏ محمد و العترة الطاهره

و صاحب روضات این ابیات را به نقل از ثعالبی بدو نسبت می‏کند:

حب علی ابن ابیطالب‏ هو الذی یهدی الی الجنه

ان کان تفضیلی له بدعة فلعنة الله علی السنه(6)

سیف الدین عقیلی در کتاب آثار الوزرا می‏نویسد:

«صاحب عباد،ابو القاسم بن عباد بن عباس رازی و به روایتی اصفهانی در جمیع علوم صاحب کمال بود و در ایام وزارت خود با وجود کثرت اشتغال دائم الاوقات‏ درس گفتی و در تمامی علوم تصانیف ساختی و از تمام‏ امور دنیایی نیز با خبر بود و در ابتدای حال ندیم عضد الدوله‏ بود و عضد الدوله به محاوه او شعفی تمام داشت و...»

بعد از ابن العمید در سنه و ستین و ثلاث مائه(367) وزارت مؤید الدوله ابو نصر رکن الدوله حسن بن بویه یافت‏ به واسطه رأی صائب او ملک مؤید الدوله رونقی هر چه‏ تمام‏تر یافت،چون مؤید الدوله در سنه ثلاث و سبعین و ثلاثمائه(373)در گذشت،صاحب بن عباد تا رسیدن‏ فخر الدوله علی بن رکن الدوله ملک و لشکر را به ضبط در آورد و استدعای حضور کرد چون به سر ملک رسید وزارت برقرار به صاحب عباد مقرر داشت.

در بعضی از تواریخ آورده‏اند در ابتدا که فخر الدوله و قابوس و شمگیر اتفاق نمودند و نوح بن منصور سامانی‏ حسام الدوله تاش و امیر فائق را به دفع ایشان بفرستاد و صاحب عباد جاسوس بفرستاد،تا احوال باز داند، جاسوس احوال معلوم کرده مراجعت نمود.صاحب عباد از او پرسید که«لشکر ایشان چند پیرند؟گفت پیران‏ ندیدم،اما چند پیل‏اند،صاحب عباد گفت:«من از پیران‏ رای زن می‏ترسم نه از پیلان تیغ‏زن.

به رائی لشکری را بشکند پشت‏ به شمشیری یکی تا ده توان کشت(7)

پس صاحب بن عباد بفرستاد و فائق را بفریفت،تا در روز حرب غدر کرد و پشت داد و بدین سبب لشکر ایشان‏ منهدم شدند.

در قابوس نامه مسطور است که:صاحب عباد دو روز به دیوان نرفت،فخر الدوله کس فرستاد و پیغام داد که اگر از ما ملامتی هست اعلام باید کرد تا به تدارک آن مشغول‏ شویم و اگر از جانب دیگر است بباید گفت؟صاحب‏ گفت،معاذ الله که از خداوند بنده را ملالتی باشد،جهت‏ احوال مملکت است خداوند به دولت به نشاط و طرب‏ مشغول باشد که دلتنگی بنده زود زائل خواهد شد،روز سیم صاحب بن عباد بیرون آمد.فخر الدوله پرسید که‏ موجب دلتنگی چیست؟گفت:از کاشغر منهی من نوشته‏ بود که خاقان با فلان سپهسالار سخن می‏گفت ندانستم‏ چه گفت؟مرا از آن نان در گلو گرفت که چرا در ترکستان‏ سخنی گویند و ما اینجا ندانیم تا امروز کاغذی رسید که‏ \*سیف الدین عقیلی در«آثار الوزرا»می‏نویسد:«صاحب عباد، ابو القاسم بن عباد بن عباس رازی‏ و به روایتی اصفهانی در جمیع‏ علوم صاحب کمال بود و در ایام‏ وزارت خود با وجود کثرت‏ اشتغال دائم الاوقات درس گفتی‏ در تمام علوم،تصانیف ساختی و از تمام امور دنیایی نیز با خبر بود.»

منهی به من نوشته بود که آن سخن چه بود که خاقان گفته، دلم خوش شد...(8)

نوشته‏اند هنگامی که لشکر فخر الدوله برای فتح بغداد می‏رفت در حد اهواز از لشکر بهاء الدوله(379 هـ.ق) شکست و صاحب در اهواز سخت بیمار شد.چون بهبود یافت،بفرمود تا فقرا به منزلش در آیند و آن چه یابند ببرند. آورده‏اند،آن روز نزدیک 50 هزار دینار از سرای صاحب‏ رخت و قماش بیرون رفت.

صاحب عباد وقتی در ری در گذشت هیجده سال‏ وزارت کرده بود.چون مرقد او را به نمازگاه بردند اکابر دولت اجلال او را در پیش مرقدش در سقف او در آویختند و تخت زیر آن نهادند و بعد از مدتی به اصفهان نقل کردند.

فخر الدوله...هم در روز وفاتش خزائن او را برگرفت و فرزندان او را محروم از میراث کرد و کسان او را به مصادرات کشیده،هرچه او به کسی مساعدت کرده‏ بود باز گرفت.(9)

وی به شب جمعه 24 ماه صفر سال 385 هجری‏ قمری درگذشت(10)

ثعالبی در«یتیمه الدهر»گوید:عبارتی ندارم که با آن‏ بتوانم مکانت وی را در علم و ادب و جلالت او را در جود و کرم و محاسن بسیار و مفاخر گوناگون وی را بیان کرد و هر چند داد سخن دهم کمترین فضیلت او را نتوانم گفتن، تنها می‏گویم او صدر مشرق و تاریخ مجد و چشمه عدل و احسان است و کسی است که هرگاه او را به همه آنچه‏ مخلوقی را بدان ستایند،مدح گویند،حرجی نباشد.

سمعانی گوید:نام و شعر او مشهورتر از آن است که‏ درباره او چیزی گوییم.ابن خلکان نویسد:نادره دهر و اعجوبه زمان در فضایل و محاسن و کرم بود سیوطی‏ گوید:نادره دهر و اعجوبه زمان بود-حدیث گفت و املاء کرد در محضر او مردمان بسیاری گرد آمدند که نزد هیچ‏ یک از علما آن‏قدر جمع نشدند...(1)از آثار مکتوب‏ صاحب بن عباد دیوان شعر-جوهرة الجمهره-ذکر الخلائف و عنوان-المعارف،رساله الی احمد بن ابی دواد فی فضل العلم-الفرق بین الضاد و الطاء-رساله فی فضل‏ عبد العظیم-الکشف عن مساوی المبتنی-کشف المساوی‏ فی شعر المتنبی-المحیط باللغة-نهج السبیل فی اثبات‏ التفضیل،الهدایه و الضلالة-القضاء و القدر،الاباته عن‏ مذهب اهل العدل بحجج من القرآن و العقل-مساوی شعر ابی الطیب.(12)

منابع:

1)-لغت نامه-علامه علی اکبر دهخدا-ذیل صاحب بن عباد

2)-یتیمه الدهر،حمزه ثعالبی ج 3-ص 75 به نقل از لغت‏ نامه

3)-حماسه کویر-دکتر ابراهیم باستانی پاریزی ص 339

4)-حماسه کویر-همان...ص 104

5)-عدد من بلغاء ایران فی نمة العرب و نخب من آثارهم. دکتر قاسم تویسرکانی

از انتشارات دانشگاه تهران شماره(402)صص 106-107- 108

6)-لغت نامه...ذیل صاحب بن عباد حرف ص صفحه‏ 29

7)-آثار الوزرا-سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی-به‏ تصحیح و تعلیق میر جلال الدین محدث ارموی-صص‏ 197-198

8)-همان پیشین ص 199

9)-همان-ص 202

10)-لغت نامه-مرگ صاحب و حرف ص صفحه 27

11)-لغت نامه-از قول تذکره نوسیان و حرف ص صفحه‏ 29

12)-الذریعه الی تصانیف الشیعه:علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی‏ دار الاضداء-بیروت الطبعة الثالثه-1403 هـ-ق 1983 میلادی- -ج 1 ص 56

ج 5 ص 292

ج 9 ص 577

ج 10 ص 34

ج 11 ص 107

ج 16 ص 176

ج 17 ص 145

ج 18 صص 42-61

ج 20 صص 162-382

ج 24 ص 418

ج 25 ص 200